

## **Bactrian Correspondence: A Case Study of cl and cm Letters**

Najmeh Gharib\*

Zohre Zarshenas\*\*

### **Abstract**

In this research, cl and cm letters from Bactrian letters collection have been studied. First, the author has transliterated the two letters and translated them into Persian, then analyzed the lexicon. The letters show that the two letters are related to each other and indicate the correspondence of government officials in Bactria. For example, letters begin with "a greeting to my dear brother", and the author of the letter expresses his pleasure at hearing the ruler's health, and at the end, again, Greetings to the ruler. The letters are about stealing horses. This article, while providing a Persian translation of these letters, seeks to answer the following questions: 1. what is the style of writing in Bactria? 2- Based on these letters, letters, is it possible to understand writer's and recipient's occupation? 3. According to these letters, is it possible to understand the rank of the officers? 4. What is the tone of the letters?

**Keywords:** Bactria, Bactrian Language, Bactrian Letters, cl and cm Letters, Documents and Correspondence in Middle Periods, Horse Theft.

\*Islamic Azad University, Tehran Research Sciences Branch, Faculty of Language and Literature  
Literature, nazi.gharib59@gmail.com

\*\* Professor of Ancient Culture and Languages, Institute of Humanities and Cultural Studies  
(Corresponding Author), zzarshenas@gmail.com

Date received: 2021/06/28, Date of acceptance: 2021/09/09



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



## نامه‌نگاری بلخی: بررسی موردی نامه‌های cl و cm

نجمه غریب\*

زهره زرشناس\*\*

### چکیده

در این پژوهش نامه‌های cl و cm از مجموعه نامه‌های بلخی بررسی شده است. نگارندگان نخست این دو نامه را حرف‌نویسی و به زبان فارسی ترجمه کرده، سپس به تحلیل واژگانی پرداخته‌اند. متن نامه‌ها نشان می‌دهد این دو نامه با یکدیگر مرتبط‌اند و از نحوه مکاتبه مقامات دولتی در بلخ حکایت دارند. مثلاً، نامه‌ها با عبارت «درود و نماز به برادر عزیز من» آغاز می‌شوند و نویسنده نامه از شنیدن خبر سلامتی فرمان‌روا ابراز خرسندی می‌کند و در پایان نیز مجدداً به فرمان‌روا درود می‌فرستد. نامه‌ها دربارهٔ دزدیدن اسب است. نگارندگان در این مقاله، ضمن این‌که ترجمه‌ای فارسی از این نامه‌ها ارائه داده‌اند، بر آن‌اند تا به این پرسش‌ها نیز پاسخ دهند: ۱. شیوه نامه‌نگاری در بلخ چگونه بوده است؟ ۲. آیا می‌توان از روی این نامه‌ها به سمت شغلی نویسنده و گیرنده آن‌ها پی برد؟ ۳. آیا از روی این نامه‌ها می‌توان مشخص کرد کدام مقام رتبه بالاتر یا پایین‌تر داشته است؟ ۴. لحن نامه‌ها چگونه است؟

**کلیدواژه‌ها:** اسناد و نامه‌نگاری در دوران میانه، بلخان، دزدی اسب، زبان بلخی، نامه‌نگاری مقامات نامه‌های بلخی، نامه‌های cl و cm.

\* دانشجوی دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران،

nazi.gharib59@gmail.com

\*\* استاد فرهنگ و زبان‌های باستانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسئول)،

zzarshenas@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۷



## ۱. مقدمه

سرزمین بلخ باستان (بلخان) دشتی میان هندوکش و آمودریا، مرکز آن، بلخ، در تاریخ آسیای مرکزی نقشی اساسی داشته است. یافته‌های باستان‌شناسی در سرزمین بلخ (باختر) از حضور جوامع اولیه انسانی پیش از هزاره سوم ق م حکایت می‌کند. با این حال، محدوده جغرافیایی بلخ از دیرباز دست‌خوش تغییر و دگرگونی‌های مکرر بوده است. سرزمین بلخ امروزه از شمال به تاجیکستان و ازبکستان، از طرف شمال غربی به ترکمنستان، از شرق با استان‌های قندوز و بغلان، و از جنوب با استان‌های بامیان و غور محدود شده است (زواری ۱۳۸۸: ۲۵).

نام بلخ نخست در فهرست فتوحات داریوش، شاه هخامنشی، و نیز در یکی از آثار کتزیاس دیده می‌شود. در این نوشته، ناحیه بلخ سرزمینی است ثروت‌مند با شهرهای بسیار و بلخ، شهری با برج و باروهای سربه‌فلک‌کشیده و بلند، مرکز سیاسی و اداری آن است (زرشناس ۱۳۷۶: ۱۲).

بلخ در عهد هخامنشی هم‌راه مارگیانا دوازدهمین شهر (ایالت - استان) هخامنشی را تشکیل داد. شهربان بلخ یکی از بستگان شاهنشاه هخامنشی بود که این امر نشان می‌دهد بلخ، از نظر فرمان‌روایان هخامنشی، اهمیت سیاسی و اقتصادی بسیار داشته است. این منطقه از نظر سیاسی حائل دفاعی در برابر اقوام شمالی به‌شمار می‌رفت و اهمیت آن از نظر اقتصادی به‌واسطه کشاورزی سودمند و وقوع آن بر سر جاده شاهی به هند بود (Leriche 1989: 340). پس از هخامنشیان، با لشکرکشی اسکندر به بلخ، دوره بلخی - یونانی فرارسید و در پی مرگ وی در ۳۲۶ ق م بلخ با سغد، که هدف حمله اسکندر بود، یکی شد و شهری را تشکیل داد. زمانی که حکومت سلوکیان رو به ضعف نهاد، پارت و بلخ توان استقلال یافتند و در این حال دیودت جدایی بلخ را اعلام کرد و سکه به نام خود زد (بیوار ۱۳۷۳: ج ۳، ۱۸۲-۱۸۷؛ Leriche 1989: 340). دوره یونانی - بلخی با ورود قبایل صحرائین یوئه چی در حدود ۱۳۰ ق م به سر رسید و یکی از سران قبایل یوئه چی سایر رهبران قبایل را مطیع ساخت و سلسله کوشانی را در بلخ بنیان نهاد (Leriche 1989: 341). تاریخ کوشانیان، به‌واسطه کمبود منابع، دست‌خوش ابهام است و تنها منبع کوشانی در این زمینه نوشته‌های روی سکه‌ها، مهرها، و کتیبه‌های وقفی است که تاریخ آن‌ها چندان روشن نیست. کوشان‌ها، پس از غلبه بر بلخ، نخست شیوه سستی استفاده از یونانی را در نوشتار

نامه‌نگاری بلخی: بررسی موردی نامه‌های el و em (نجمه غریب و زهره زرشناس) ۲۱۷

به‌کار گرفتند، اما زبان بلخی زبان بومی سرزمین آن‌ها بود که بعدها برای نوشتار به‌عنوان زبان رسمی و اداری و در نهایت به‌عنوان زبان ملی به‌کار گرفتند. بلخ در عهد کوشانیان از ارزش اقتصادی و فرهنگی برخوردار شد. این شهر از توقفگاه‌های عمده تجاری بر سر جاده ابریشم به هند بود (سیمزویلیامز ۱۳۷۹: ۸۳-۱۰۷).

زبان بلخی در شمار زبان‌های ایرانی میانه شرقی است. این زبان، پیش‌ازاین، تخاری خوانده می‌شد و نخستین بار ایران‌شناس نام‌دار، والتر برونو هنینگ، این زبان را از خانواده زبان‌های هند و ایرانی دانست و آن را بلخی نام نهاد (سیمزویلیامز ۱۳۸۲: ۲۶۱).

## ۱.۱

آثار باقی‌مانده از زبان بلخی به سه گروه تقسیم می‌شود که به‌طور خلاصه عبارت‌اند از:

### الف) سکه‌ها و مهرها

معمولاً، بیان‌گر نام شاهان و عناوین آن‌ها به یونانی و گاه به پهلوی، بلخی، و خط شکسته یونانی - بلخی بود. در حدود چهل مهر نیز با نام و عناوین یونانی - بلخی منتشر شده است و القابی که بر روی این مهرها به‌کار رفته عمدتاً ایرانی - غربی‌اند (Sims-Williams 1989: 345).

### ب) کتیبه‌ها

کهن‌ترین کتیبه‌های بازمانده از زبان بلخی کتیبه سرخ‌کتل است که نخست ماریک با نام «کتیبه بزرگ‌کنیشکا» منتشر کرد (Maricq 1958: 246). کتیبه‌های دیگر عبارت است از: ایرتیم، رباطک، و دو کتیبه از جغتو و دو کتیبه بسیار کوتاه از پل شاتال (جعفری دهقی ۱۳۹۲: ۱۶؛ Sims-Williams 1989: 230-235).

### ج) دست‌نوشته‌ها

این دست‌نوشته‌ها به سه دسته تقسیم می‌شوند: ۱. اسناد اقتصادی؛ ۲. اسناد حقوقی؛ ۳. نامه‌ها.

## ۲.۱ نامه‌نگاری در دوره میانه و پیشینه پژوهش

نامه از دیرباز و در هر دوره‌ای به‌عنوان وسیله‌ای برای مکاتبه میان افراد مختلف حائز اهمیت بوده است. در دوره میانه نیز نامه به‌عنوان وسیله‌ای برای انتقال پیام یا ارسال دستورهایی از

طرف مقامات کشور دارای اهمیت بوده است. این نامه‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند: نامه‌های میانه غربی و نامه‌های میانه شرقی. نامه‌های دوره میانه غربی به خط و زبان پهلوی است. موضوع نامه‌های میانه غربی مسائل سیاسی و کشورداری است و شامل نامه‌هایی است که از طرف شاهان ساسانی نوشته شده؛ از جمله این نامه‌ها می‌توان به نامه‌های اردشیر اشاره کرد که درباره دستورالعمل و خط‌مشی این شاه در امور کشورداری است. شیوه نگارش این نامه‌ها به این صورت است: ابتدای نامه با مقدمه‌ای آغاز شده و پس از آن متن نامه آغاز می‌شود که همانند نامه‌نگاری‌های زمان ساسانی نخست نام فرستنده، که مقام برتری داشته، ذکر می‌شود و سپس نام مخاطب نامه می‌آید. از دیگر نامه‌ها می‌توان به نامه‌های انوشیروان اشاره کرد که نامه‌ای سیاسی است که وی پس از رسیدن به سلطنت به چهار سپهد چهار ناحیه کشور نوشته است. نامه‌های منسوب به شاهان و بزرگان ساسانی متضمن سخنان حکیمانه و دستورهایی درباره اداره درست مملکت بوده است (تفضلی ۱۳۸۶: ۲۲۷، ۲۳۴).

برخی از نامه‌های دوره میانه غربی در خصوص مسائل دینی است که از این نوع می‌توان به نامه‌های منوچهر اشاره کرد. منوچهر برادر زادسپرم هیربد سیرکان (سیرجان) است. وی سه نامه درباره آیین برش‌نوم (تطهیر) از خود به جای گذاشته است. نخستین نامه خطاب به مردم سیرکان (سیرجان) است. دومین نامه خطاب به برادرش، زادسپرم، و سومین نامه خطاب به به‌دینان پارس، کرمان، و ایران زمین است. این نامه‌ها از نظر شیوه نگارش پُر از الفاظ و تعقید دست‌وپاگیر همراه عبارات سنگین و حاوی جمله‌های مرکب و معترضه متنوع است. این عبارات فقهی و اصطلاحات دینی کهن ناشناخته‌اند و فهم متن را دشوار کرده‌اند. در این نامه‌ها نویسنده (منوچهر) می‌کوشد دیدگاه خود را به زبانی بیان کند که پایه آن صورت گفتاری (شفاهی) و بی‌قاعدگی زبان روزمره است. وی در نوشتن این نامه‌ها از ابزار زبانی از جمله بذله‌گویی، ریش‌خند، شکوه، و شکایت بهره برده است. در برخی از این نامه‌ها تشبیهات و کنایه‌های رایج گفتاری به چشم می‌خورد (منصوری و شریفانی ۱۳۹۴: ۱۳-۱۵).

از نامه‌های دوره میانه شرقی نامه‌های سغدی و بلخی باقی مانده است که نامه‌های سغدی به خط و زبان سغدی است و نامه‌های بلخی، که دو نمونه از آن نیز موضوع این پژوهش است، به خط یونانی نوشته شده است.

اورال استین (Aural Astein) که نامه سغدی را با نام *نامه‌های سغدی باستان* در ۱۹۰۷ کشف کرد که فقط پنج نامه از آن‌ها کامل است. نیکلاس سیمز ویلیامز این نامه‌ها را به

زبان انگلیسی ترجمه کرده (Sims-Williams 2004) و رضا مرادی غیاث‌آبادی این پنج نامه را به فارسی برگردانده است. براساس این ترجمه‌ها، می‌توان دریافت که نامه‌های سغدی درخصوص مسائل خانوادگی و مسائل و مشکلات سیاسی و تجاری است. مثلاً، نامه‌ای است که دختری به مادرش نوشته و دربارهٔ مسائل و مشکلات زندگی‌اش توضیح داده است. یا نامه‌ای که زنی به همسرش نوشته و در آن از مشکلات و بی‌پولی و دوری از همسرش صحبت کرده است. نامه‌های دیگر درخصوص پراکندگی سغدیان و ویرانی دو شهر مهم چین است و همچنین دربارهٔ مسائل و مشکلات بازرگانان (مرادی غیاث‌آبادی، ۲ مرداد ۱۳۹۲).

این نامه‌ها، مانند نامه‌های بلخی، با ادای احترام نویسنده به گیرندهٔ نامه و همچنین اظهار خرسندی از سلامتی گیرندهٔ نامه آغاز می‌شود، اما در مقایسه با نامه‌های بلخی می‌توان دریافت که این نامه‌ها از لحاظ موضوع با نامه‌های بلخی متفاوت است. مثلاً، در نامه‌های بلخی ارتباطات خانوادگی مشاهده نمی‌شود و موضوع اغلب نامه‌ها دربارهٔ خرید و فروش در قالب دستور و درخواست است؛ این درحالی است که در بعضی نامه‌های سغدی، مانند نامه‌های خانوادگی، نویسنده با گیرندهٔ نامه درددل می‌کند و از غم‌ها و مشکلاتش سخن می‌گوید. نامه‌های تجاری سغدی دارای اصطلاحاتی برای محصولات ناشناخته است؛ درحالی که در نامه‌های بلخی اصطلاحات ناشناخته به چشم نمی‌خورد.

نامه‌های دوران بلخی از جمله اسنادی است که در دههٔ ۱۹۹۰ کشف شد. محتوای بسیاری از این نامه‌ها مکاتبات میان افراد است (Sims-Williams 2004: 3). هریک از این نامه‌ها دارای موضوع و محتوای متفاوتی است که گاهی از مقامات پایین‌تر به مقامات بالاتر در قالب درخواست و گاهی از مقامات بالاتر به مقامات پایین‌تر در قالب دستور نوشته شده‌اند. بیش‌تر نامه‌ها با جملات شبیه به هم آغاز شده‌اند و دارای شکل و خط مشابه‌اند.

این نامه‌ها از لحاظ واژگانی ساده‌اند و فهم آن‌ها دشوار نیست. در نگارش این نامه‌ها کلمات ساده و قابل فهم به کار برده شده است. موضوع این نامه‌ها دربارهٔ خرید کالا، اهدای زمین، درخواست شراب، ملک، گوسفند، دستور پرداخت مالیات، آزادی برده، و دزدی است. به‌طور کلی ۷۱ نامه برجای مانده است. این نامه‌ها را سیمز ویلیامز به زبان انگلیسی ترجمه کرده است (Sims-Williams 2007: 52-167). از میان این نامه‌ها، دو نامهٔ cl و cm، دربارهٔ دزدیده شدن اسب‌ها، برای پژوهش انتخاب شده است. موضوع و محتوای نامه ارتباط این دو نامه با یکدیگر را آشکار می‌کند. موضوع نامه این است که یک خدمت‌کار

موضوع دزدیده‌شدن اسب‌ها را به کردیر ورهران، که در آن زمان فرمان‌روای روب بوده، اطلاع می‌دهد و در پی آن کردیر ورهران نامه‌ای به شخصی به نام شاپور شاپوران می‌نویسد که به نظر می‌رسد وی نیز یکی از مقامات بالای حکومتی است. کردیر ورهران موضوع دزدی را شرح می‌دهد و خواهان پی‌گیری این موضوع می‌شود. بعد از آن، کردیر ورهران از طریق همان خدمت‌کار متوجه می‌شود که اسب‌های دزدیده‌شده را شخصی به نام بیپ نگهداری می‌کند. پس نامه‌ای به بریدگ وتنان، که به نظر می‌رسد در حکومت آن زمان دارای مقام است و براساس محتوای نامه احتمالاً سرکرده افغان‌هاست، در این خصوص می‌نویسد. در این نامه کردیر ورهران از بریدگ وتنان گلایه می‌کند و مدعی است که اسب‌ها را افغان‌ها دزدیده‌اند؛ در صورتی که افغان‌ها مدعی بودند که مردان روب، یعنی مردان شهری که کردیر ورهران فرمان‌روای آن است، اسب‌ها را دزدیده‌اند. بنابراین، وی را تهدید می‌کند که به فرمان‌روا شکایت خواهد کرد و آسیب سختی به آن‌ها وارد خواهد شد.

## ۲. هدف و مسئله پژوهش

هدف از این پژوهش شیوه نامه‌نگاری بلخی است. بر این اساس، دو نامه *cl* و *cm* انتخاب شده است. این نامه‌ها را پیش‌تر سیمز ویلیامز به انگلیسی ترجمه کرده، با این حال، تاکنون تحلیل نشده است. موضوع این دو نامه به یکدیگر شبیه‌اند. نخست حرف‌نویسی هر دو نامه آمده و سپس ترجمه فارسی آن‌ها ارائه شده است. پس از توضیحات و تحلیل واژگانی، این نامه‌ها از نظر موضوع و محتوا نیز بررسی شده است. هم‌چنین، نگارنده بر آن است تا تفاوت این دو نامه، به‌ویژه نامه‌های بلخی، را با دیگر نامه‌های دوره میانه مشخص کند. به‌طور کلی، این مقاله بر آن است تا به این پرسش‌ها نیز پاسخ دهد: ۱. شیوه نامه‌نگاری در بلخ چگونه بوده است؟ ۲. آیا می‌توان از روی این نامه‌ها به سمت شغلی نویسنده و گیرنده آن‌ها پی برد؟ ۳. آیا از روی این نامه‌ها می‌توان مشخص کرد که کدام مقام رتبه بالاتر یا پایین‌تر داشته است؟ ۴. لحن نامه‌ها چگونه است؟

## ۳. حرف‌نویسی نامه *cl*

### Document *cl* (Sims-Williams 2007: 89)

*cl* 1 abo oaoišaboro šaborano friio brado Irodo namōso aso ōroom-  
*cl* 2 zdofaraxo kirdirooararano rōboxaro otano oalo šatarano kalda-



cl 3 no xoado lrogo oēnana misido naoazo mano marēgo pidooa-  
 cl 4 uado koadano oēšomardo zoinigo I bamošno marēgo faro oēlo-  
 cl 5 oatano oalago kirdo otano maro abo rōbo agadindēio odaso maro  
 cl 6 aspo oastindēio taldo iθaindo tado našizgisto ōsido aldo to xoē  
 cl 7 pido xobo faro sinddo tado abo oēšmardo xōzo otomo pido ia-  
 cl 8 spo odo galo oisaro kiro odaldo galo odo iaspo naxōzēio ta-  
 cl 9 kaldazo taro ersēmo tado abēšnōro iaspo odo galo xōz-  
 cl 10 ēmo oto faro to xoēo axoašno kirimo tadomo pido I nabi-  
 cl 11 xtēio ato zano

نشانی، پشت صفحه

cl 12 abo oaiošoboro šab-  
 cl 13 orano friio brado lro

### ۱.۳ ترجمه فارسی نامه cl

۱. به وی، شاپور شاپوران<sup>۱</sup>، برادر عزیز (من)، درودها (و) نماز از طرف ۲. کردیر - ورهران<sup>۲</sup> «باشکوه به واسطه اهرمزد»، فرمان‌روای روب<sup>۳</sup>. و پس من بیش‌تر خوش‌حال می‌شوم هنگامی که ۳. من خود سلامتی (شما) را ببینم. به‌علاوه، نواز<sup>۴</sup>، خدمت‌کار من، از من درخواست کرد ۴. (می‌گوید): ویش - مرد ساکن زوین<sup>۵</sup> خدمت‌کار ملکه ۵. ... را به ویل - وتن<sup>۶</sup> ساخته است و آن‌ها این‌جا به روب آمده‌اند و اسب‌ها را از این‌جا ۶. دزدیده‌اند. اگر (این چیزها) درست است، این خوب نیست. اکنون، اگر ۷. این فرمان‌روا اعلی حضرت را خوش‌حال می‌کند به‌دنبال ویش - مرد بگردید و ۸. برای من درباره اسب‌ها و دزدان قضاوت کنید. و اگر شما به‌دنبال دزدها و اسب‌ها نگردید، پس ۹. هنگامی که من آن‌جا (نزد شما) آمدم به‌دنبال دزدها و اسب‌ها می‌گردم بدون ترحم ۱۰. و من سبب نارضایتی برای شما فرمان‌روا (خواهم) شد. من به درباره این به شما نوشته‌ام ۱۱. بنابراین، شما باید بدانید. ۱۲-۱۳ به وی، شاپور شاپوران، برادر عزیز (من) درودها.

### ۲.۳ تحلیل واژگانی نامه cl

واژه‌های این دو نامه براساس کتاب/اسناد بلخی نیکلاس سیمز ویلیامز (Sims-Williams 2007) تحلیل شده‌اند.

$\mu\alpha\gamma\theta + \alpha\beta\theta$  / $\alpha\beta\alpha\mu\alpha\gamma\theta$  /abamago/ (ضمیر اول شخص مفرد در حالتی برایی - ازی) =  
 حالت مفعولی غیر صریح - مفعول به  
 $\alpha\beta\eta$  / $\alpha\beta\eta\theta\gamma\theta\theta$  /abēšnōro/ صفت یا قید «بدون سپاس» احتمالاً ترکیبی با  $\alpha\beta\eta$

- Abō /abo/: حرف اضافه «به، برای، علیه، در، روی» -<\*abi- فارسی باستان: abiy
- ασο /aso/: حرف ربط «اما، به عبارت دیگر، درحقیقت» اوستایی: āat
- αλδο /aldo/: حرف ربط «یا، دگر»
- ατο /ato/: حرف ربط «که، بنابراین»
- ασο /aso/: حرف اضافه «از» -<\*hačā- اوستایی: hača
- αχοαῖνο /axoašno/: اسم «خشنودی» \*a + \*xwaš(a)nā پیش‌وند نهی <. پارتی: xwšn
- ασπο /aspo/: اسم «اسب» -<\*aspa- اوستایی: aspa
- βαμοῖνο /bamošno/: عنوان «کلمه» وام‌واژه از فارسی میانه \*bāmušn
- βραδο /brado/: اسم «برادر» -<\*brātar- اوستایی: brātar
- γαλο /galo/: اسم «دزد» -<\*gada- اوستایی: gaḏā
- ζανο /zano/: فعل دوم‌شخص مفرد انشایی از -av «دانستن، تجربه‌داشتن» -<\*zāna- پارتی: z'n: سغدی: z'n:
- ζοινο /zoinigo/: اسم یا صفت، شاید به معنی (ساکن) زوین باشد ζοινο + ιγο
- ἔρσημο /ērsēmo/: فعل مضارع اول‌شخص مفرد -ησ «آمدن، رفتن» -<\*āgata- اضافه ι/i/
- ιασπο /iaspo/: ασπο + ι- (اسم) «اسب» -<\*aspa- اوستایی: aspa
- καλδανο /kaldano/: (حرف ربط) «اگر، وقتی» \*kadā + ανο (حرف اضافه)
- κοαδανο /koadano/: (قید) «کجا» + ανο (حرف اضافه)
- κιδιροοαρο /kirdirooaro/: اسم خاص «کردیروهران»
- κιδρο /kirdo/: فعل ماضی سوم‌شخص مفرد κip «کردن، انجام‌دادن» -<\*krnu-/krta- فارسی باستان: kun(av)-/krta-
- κиро /kiro/: فعل امر دوم‌شخص مفرد κip- «کردن، انجام‌دادن» -<\*krnu-/krta- فارسی باستان: kun(av)-krta-
- κιριμο /kirimo/: فعل مضارع اول‌شخص مفرد κip- «کردن، انجام‌دادن» -<\*krnu-/krta- فارسی باستان: kun(av)-krta-
- λροδο /lrodo/: «اسم» سلامتی، احوال‌پرسی» -<\*druwa-tār- اوستایی: druuatāt. سغدی: ḏrwt' twh و ḏrwt

نامه‌نگاری بلخی: بررسی موردی نامه‌های el و em (نجمه غریب و زهره زرشناس) ۲۲۳

drauga /lrogo/ اسم «دروغ» -<\*drauga- فارسی میانه  
mano /mano/ ضمیر اول شخص مفرد «من، توسط من» -<\*mana- اوستایی: mana-  
maro /maro/ قید «این‌جا» -<\*imaθra- ختنی: mara-  
marēgo /marēgo/ اسم «غلام، خدمت‌کار» -<\*mar(i)yaka- فارسی باستان: marīka-  
misido /misido/ حرف ربط «اکنون، به‌علاوه» -<μiso + do  
namōso /namōso/ اسم «نماز، تعظیم» اوستایی: namah- .سغدی: nm'cyw فارسی میانه: namāz  
naoazo /naoazo/ اسم خاص «نواز»  
našizgisto /našizgisto/ «بدر» -<ana + riζγιοιστο + (فعل مضارع سوم شخص مفرد)  
naxōzeio /naxōzeio/ تمنایی دوم شخص مفرد (منفی یا نفی) χωζηο «جست‌وجو کردن، پرسیدن» -<hwaza(ya)(?)va + χωζηο  
nabixtēio /nabixtēio/ فعل ماضی دوم شخص مفرد -<ναβισ- , ναβιχτο «نوشتن، توصیف کردن» -<\*ni-pisa- سغدی: np'yns  
oaišaboro /oaišaboro/ اسم خاص «شاپور»  
otano /otano/ «و» + <ano (حرف اضافه)  
oalo /oalo/ قید «آن‌جا، بعد» -<\*awada «آن‌جا» - پارتی: 'wwd .سغدی: 'wō  
oēnana /oēnana/ فعل التزامی اول شخص مفرد -<ση- فعل «دیدن، مشاهده کردن» -<\*waina/dita-  
oēšomardo /oēšomardo/ اسم خاص «ویش مرد»  
oēloatano /oēloatano/ اسم خاص «ویل وتن»  
oalago /oalago/ «بعد، آن‌جا» + αγο (پس‌وند) -<\*awada «آن‌جا»  
odaso /odaso/ «و» + ασο (پس‌وند) -<\*uta- فارسی میانه: ud  
oastindēio /oastindēio/ جمع -<σηλ-, -<σηλ- oasto/ «رهبری کردن، گرفتن» -<\*wādaya-/ wašta- پارتی: w'y-/w'st  
otomo /otomo/ «و» + μο  
odo /odo/ حرف ربط «و» -<\*uta- فارسی میانه: ud- ترکیبی از -od-

πιδοοαυ /pidooahado/ فعل ماضی سوم شخص مفرد -πιδοοαυ «درخواست کردن»  
 pati-wah(y)a- <\*pati-wah(y)a- فارسی باستان: pati-vahya-  
 πιδο /pido/ حرف اضافه «در، بر روی، به وسیله، با» -<\*pati- اوستایی: paiti  
 ρωβοχαρο /rōboxaro/ اسم «حاکم روب»  
 ρωβο /rōbo/ نام شهر «روب»  
 σινδδο /sindo/ فعل مضارع سوم شخص مفرد -σινδ «آرزو کردن، خوشحال بودن»  
 sandaiia- <\*sandaya- اوستایی: sandaiia-  
 αλδο /aldō / taldo/ (حرف ربط) «اگر، یا» + τα (حرف ربط) «بعد» \*tā- اوستایی: tā  
 ταδο /tado/ حرف ربط «بنابراین، پس، و» -<ta- + -δο سغدی twty  
 το /to/ ضمیر دوم شخص مفرد و صفت اشاره -<ta- سغدی t  
 takaldazo /takaldazo/ حرف ربط «بعد» از -<ta- -<ra- اوستایی: tā-  
 ταρο /taro/ قید «آنجا» -<taθra- سغدی trs  
 φριιο /friio/ صفت «عزیز» -<\*friya- اوستایی: friia- ایرانی باستان: priyā-  
 xoado /xoado/ قید یا ضمیر انعکاسی «خودش» -<hwatah- اوستایی: x<sup>v</sup>ato  
 xobo /xobo/ قید «احتمالاً» -<h(u)w-apah- فارسی نو xūb گاهی ضمیر انعکاسی هم  
 می تواند باشد به معنی «خودت، خودش» -<hwa-paθya-  
 xoeō /xoeō/ اسم «خداوندگار» -<hwa-tāwan- سغدی: xwt'w- پارتی: xwd'wn و اموازه  
 از فارسی نو xidēv  
 xōzo /xōzo/ فعل امر دوم شخص مفرد -<hwaza(ya)- «درخواست کردن»  
 (?)  
 xōzēmo /xōzēmo/ فعل مضارع اول شخص مفرد -<hwaza(ya)- «درخواست کردن، پرسیدن»  
 (?)-<hwaza(ya)-  
 /ōrmozdofaraxo /ōrmozdofaraxo/ (اسم خاص) + θaraxo (صفت)  
 «باشکوه» -<farnah-wāh-  
 /ōsido /ōsido/ قید «اکنون» -<ωσο (قید) اکنون + δο (پی چسب)  
 /šaborano /šaborano/ نام خانوادگی «شاپوران»  
 /šatarano /šatarano/ (صفت) «بسیار خوش حال» + βαδο + پسوند avo + δαρο  
 (پسوند صفت ساز)

#### ۴. حرف‌نویسی نامه cm

##### Document cm (Sims-Williams 2007: 90)

- Cm 1 [A]βo βρηδαγο οατανανο φρριο βραδο λροδο ασο ωρομοζδοφαραχο κιρδι[ρο]-  
Cm 1 [a]bobrēdagooatananofriiobradolradoasoōromozdofaraxokirdi[ro]-  
Cm 2 [o]araparano ρωβοχαρο οτανο οαλο Παταρανο καλδανο χοαδο λρογ[ο]  
Cm 2 [o]araranopōboxarootanooalošataranokaldanoxoadolrog[o]  
Cm 3 [oηνα]vno μισιδο ναοαζο μανο μαρηγο αβαμαγο πιδοοαναδο κοα[δανο]  
Cm 3 [oēna]nomisidonaοozomanomarēgoabamagoripidoanadokoa[dano]  
Cm 4 [o]ηλοοατανο ασπο οαστηιο οτο ωσο ιασπο βιπο οδο καραοι [...]-  
Cm 4 [o]nlooatanoasprooastēiootoōsoiasprobiroodokaraοi[...]-  
cm 5 [...]vηλο ληρινδηιο ταλδο ιθαινδο ταδο ναβιζγιστο πιδο ικο[αδο]  
cm 5 [...]nēlōlērindēiotaldoiθaindotadonašizgistorido i ko[ado]  
cm 6 [ταμ]αχο αβαγανανο μοβαγο αβαμαγο ιθαο χοανδο κοαδ[ανο]  
cm 6 [tam]axoabagananomašagoabamagoiθαοxoandokoad[ano]  
cm 7 [ρω]β[ι]γιο α[σπο]πιδο γαλιγο οηλινδηιο οτηνο ασπ[ο]ωραο[  
cm 7 [rō]b[i]γio a[spo]pidogaligoōēlindēiootēno asp[ο]ōrao[ ]  
cm 8 [νι]στο αγατο οτο ναβο ρωβιγο αδοριγδο βιαδηιο κ[οαδ]-  
cm 8 [ni]stoagatootonaborōbigoadorigdošiiadēio k[oad]-  
cm 9 [avo]αβαγανο ασπο οαστηιο ταδομο πιδο ταμαχο σαχ[οανο]  
cm 9 [ano] abaganoasprooastēiotadomopidotamaxo sax[οano]  
cm 10 [αβo ρ]ωβιγο αβηγαοανο βαστινδο ωσο αλδο το χοη[ο σ]ι[νδδο]  
cm 10 [abo ρ]ōbigoadēgaono bastinado ōsoaldo to xoe[os] I [nddo]  
cm 11 [ταδο γ]αλο οδο ιασπο χωζο οτομο φοβτιιο οδαλδο γαμ-  
cm 11 [tado g]aloodoiasproxōzootomofōštiioodaldo gam-  
cm 12 [a]vno κιρηδο οτομο ιασπο οδο γαλο ναφοβτιιηιο τακαλδ[ο]  
cm 12 [a]vno kirēdootomoiaspoodogalonafōštiiēiotakald[o]  
cm 13 ασαφαγο ρωβιγο χοβο ασπο χωζινδαδο ταδο  
cm 13 asafagorōbigoxoboaspoxōzindadotado

حاشیة سمت چپ، ادامه نخست (خطوط از بین رفته است)

ادامه دوم، پشت صفحه

- Cm 18 vaβay[o]p.. [ ],β..[ ]vaβay[o]  
Cm 18 nabag[o] r.. [ ]. B.[ ] nabag [o]  
Cm 19 ναφοβ[τ]ιηιο τακαλδο ταρο ηρσ-  
Cm 19 nafōš[t]iēiotakaldotarοers-  
Cm 20 ημο tato ναβαγο πιδο αργαγγο αχο-  
Cm 20 ēmotatonabagopidoargaggoaxo-  
Cm 21 αβνιλφο χωζημ[ο]οτο ναμο αβιμο-

το απα- cm22 cm cm 22 cm22 vano βαγανο νημαρημο τα Cm 21  
 ašnilfoxōzēm[o]oto hamoabi  
 cm 22 nano bagano nišmarēmo tato apa-  
 cm 23 ήατο αργαγγο ζιγο βοδο ταδομο πιδο ι va  
 cm 23 što argaggo zigo bodo tadomo pido i na  
 cm 24 βιχτ ηιο ατο ζανο  
 cm 24 bixtēio ato zano

آدرس

Cm 25 αβο βρηδαγο οαα-  
 Cm 25 abo brēdago oata-  
 Cm 26 vano φριο βραδο λροδο  
 Cm 26 vavo friio brado lroso

#### ۱.۴ ترجمه فارسی نامه cm

۱. به بریدگ وتنان<sup>۱</sup>، برادر عزیز (من)، درودها از طرف کردیر— ورهران «شکوهمند به واسطه اهرمزد» ۲. فرمان‌روای روب و بعد من بیشتر خوش‌حال می‌شوم هنگامی که من خود سلامتی [شما را] ببینم ۳. به‌علاوه، نواز خدمت‌کار من از درخواست کرده است (می‌گوید) ۴. ویل— وتن اسب‌ها را خارج کرده = دزدیده و اکنون بیپ<sup>۹</sup> و مستخدمش اسب‌ها را ۵. نگه می‌دارند در ... اگر (این چیزها) درست باشد، پس این خوب نیست، زیرا ۶. [شما] طایفه افغان‌ها به من چنین گفتید ۷. مردان روب توسط دزدها اسب‌ها را دزدیده‌اند (یعنی) کسانی که اسب‌ها را همراهی کردند ۸. (ظاهراً) توجه نکردند...! و شما نباید نسبت به مردان روب انکار کنید [که] ۹. افغان‌ها اسب‌ها را برده‌اند به‌خاطر بیانیه شما من ۱۰. مردان روب را، که بی‌گناه بودند، محدود کردم. اکنون اگر این فرمان‌روا را [خوش‌حال] می‌کند، ۱۱. تو باید به‌دنبال دزدان و اسب‌ها بگردی و آن‌ها را نزد من بفرستی و اگر ۱۲. شما اشتباه عمل کنید و تو اسب‌ها و دزدان را نزد من نفرستی، هنگامی که ۱۳. مردان روب اسب‌ها را از شما درخواست کردند، پس ... ۱۴ ... ۱۵ ... ۱۶ ... ۱۷ ... ۱۸. اگر گروگان ... [اگر] ۱۹. شما گروگان را نفرستید. پس هنگامی که من آن‌جا (نزد شما) آمدم، ۲۰-۲۱ من گروگان را (از شما) با ناخوش‌آیندی سخت درخواست خواهم کرد و هم‌چنین ۲۲. من به فرمان‌روایان t شکایت خواهم کرد (و) بنابراین شما ۲۳. آسیب سختی متحمل (خواهید) شد. من ۲۴. در این مورد به شما نوشته‌ام، پس باید آگاه باشید ۲۵-۲۶. به بریدگ وتن، برادر عزیز (من)، درودها.

## ۲.۴ تحلیل واژگانی نامه cm

- αβαγανο /abagano/ اسم خاص «افغان، مردم افغان»  
αβαγανανο /abaganano/ اسم خاص، جمع «افغان‌ها»  
αβαμαγο /abamago/ (حرف اضافه) «به، برای، علیه، در، روی» + μαγο  
Αβο /abo/ حرف اضافه «به، برای، علیه، در، روی» <\*abi> فارسی باستان: abiy  
αβηγαοανο /abēgaoano/ صفت «بی‌تقصیر» از پیش‌وند αβη + γαοανο (اسم)  
«تقصیر، گناه»  
αβιμουανο /abimohano/ از αβο, αβα-, αβο (حرف اضافه) «به، برای، ؟، در، بر روی»  
<\*abi> فارسی باستان: abiy  
αδοριγδο /adorigdo/ شاید از ریشه گذشته ما باشد. «انکارکردن» <\*ati-rixta-  
ایرانی باستان: ati-rikta-  
ασαθαγο /asafago/ (حرف اضافه) «از طرف» + φαγο  
ασπο /aspo/ اسم «اسب» <\*aspa- اوستایی: aspa-  
ασποωραο [ ] /aspoōraol/ بخش اول اسم «اسب» و بخش بعدی کلمه  
مشخص نیست.  
ασο /aso/ حرف اضافه «از» <\*hača- اوستایی: haca  
ασπο /aspo/ اسم «اسب» <\*aspa- اوستایی: aspa-  
ασποπιδο /asporido/ (اسم) «اسب» + πιδο (حرف اضافه) «در، بر، وسیله».  
<\*aspa- + \*pati-  
απαρτο /apašto/ قید «بنابراین» سغدی: pyšt  
αχοαβνιλο /axoašnilfo/ اسم «نارضایتی» <αχοαβνο + ιλο (پس‌وند)  
αργαγγο /argaggo/ صفت شاید به معنی «سخت، جدی» <\*agra- + αργο (پس‌وند)  
ατο /ato/ حرف ربط «که، بنابراین»  
βαγανο /bagano/ نام مردم شاید افغان. فارسی نو: afγān  
βαστινδο /bastinado/ فعل ماضی سوم شخص جمع -βαστο (ریشه گذشته)  
«متعهد کردن، ملزم کردن» <\*basta- اوستایی: basta-  
βρηδαγο /brēdagō/ اسم خاص «بریدگی»

- brātar- /brado/ اسم «برادر» <\*brātar- اوستایی: brātar-  
 βιπο /bipo/ اسم خاص «بیپ» نام اصیل محلی نیست.  
 βοδο /bodo/ فعل مضارع سوم شخص مفرد -βο- /-βo- /-βο- «بودن، شدن» <\*bawa-  
 /krta- سغدی: β-, βl'krt-, βw.  
 γαλιγο /galigo/ صفت یا اسم «ساکن» گز. <γabo + پسوند γο  
 γαλο /galo/ اسم «دزد» <\*gada- اوستایی: gasā-  
 ζανο /zano/ فعل انشایی دوم شخص مفرد و فعل امر دوم شخص مفرد -ζαν- «دانستن،  
 تجربه داشتن» <\*zāna- پارتی: z'n سغدی: z'n  
 ζιγο /zigo/ اسم «آسیب، زیان» <\*z(i)yakā سغدی: jyk  
 ηρσημο /ērsēmo/ فعل مضارع اول شخص مفرد -ηρσ- «آمدن، رسیدن» <\*ā-gata-  
 /i/ اضافه  
 ιασπο /iaspo/ + ασπο (اسم) «اسب» <\*aspa- اوستایی: aspa-  
 ιθαυδο /iθaindo/ (قید) «پس، بنابراین» + ινδο (فعل مضارع سوم شخص جمع)  
 ιθαο /iθao/ قید «پس، بنابراین» <\*iθā- اوستایی: iθā  
 κालδανο /kaldano/ از κालδο (حرف ربط) «اگر، وقتی» <\*kadā- + ανο (حرف اضافه)  
 καραοι...νηλο /karaoi...nēlo/ این کلمه مشخص نیست.  
 κιρδιοοαρανο /kirdirooarano/ اسم خاص «کردیروهران»  
 κιρο /kiro/ فعل امر دوم شخص مفرد κιρ «کردن، انجام دادن» <\*kru- /krta-  
 فارسی باستان: kun(av) /krta-  
 κοαδανο /koađano/ قید «کجا»  
 λροδο /lrodo/ اسم «سلامتی، احوال پرستی» <\*druwa-tār- اوستایی: druuatāt. سغدی:  
 δrwth و δrw'twh  
 λρογο /lrogo/ اسم «دروغ» <\*drauga- فارسی میانه: drauga  
 ληρινδιο /lērindēio/ فعل اول شخص جمع تمنایی -ληρ- «نگه داشتن، تعلق داشتن،  
 داشتن» <\*dāraya- /drxta-  
 μανο /mavo/ ضمیر اول شخص مفرد «من، توسط من» <\*mana- اوستایی: mana-  
 μαρηγο /marēgo/ اسم «غلام، خدمت کار» <\*mar(i)yaka- فارسی باستان: marīka-



نامه‌نگاری بلخی: بررسی موردی نامه‌های el و em (نجمه غریب و زهره زرشناس) ۲۲۹

δo + <μido /misido/ حرف ربط «اکنون، به‌علاوه»

μοφαγο /mošago/ اسم شاید به‌معنی «فامیل، گروه، مردم» باشد. از لحاظ ریشه‌شناسی مشخص نیست.

ναοαζο /naoazo/ اسم خاص «نواز»

ναβιχτιο /nabixtēio/ فعل ماضی سوم‌شخص مفرد -ναβις- «نوشتن» \*ni-pinsa- سغدی: np'yns

αβο + va :ναβο /nabo/ (پیش‌وند) <\*ān-ā- پارتی: 'n' سغدی: n'

ναβιζιγιστο /našizgisto/ از ναβιγγο (صفت) «بد» <ανα+βιζιγο (فعل مضارع سوم‌شخص مفرد)

ναβαγο /nabago/ اسم «گروگان» -<\*ni-pāka- سغدی: np'k فارسی نو: navā

ναφοβτιηιο /nafoštiiēio/ فعل نهی تمنایی دوم‌شخص مفرد. Va (علامت نهی) \*naid و اوستایی: φoβταδοφοβτιηι -/φoβτι- /φoβτι- . \*fra-stāya/ fara-stāta- φoβτιηιο+ nōit (فرستادن)

νημαρημο /nišmarēmo/ فعل مضارع اول‌شخص مفرد -νημαρ- «شکایت کردن» <\*ni-šmāra(y)

οτανο /otano/ (حرف ربط) «و» + avo

οατανανο /oatanano/ حرف ربط «و» <\*uta- و فارسی میانه ud

οαλο /oalo/ قید «آن‌جا، بعد» <\*awada- «آن‌جا». پارتی: wwd. سغدی: wδ

οαστιο /oastēio/ فعل گذشته تمنایی سوم‌شخص مفرد -οηλ- /οαστο/ «گرفتن، راه‌نمایی کردن» <\*wādaya-/wāsta- پارتی: w'y-/w'st

οηλοοατονο /oēlooatano/ اسم خاص «ویل و تن»

οηλινδηιο /oēlindēio/ فعل تمنایی سوم‌شخص جمع -οην- «دیدن، مشاهده کردن» \*waina-/dita-

οηνανο /oēnano/ فعل التزامی اول‌شخص مفرد -οην- «دیدن، مشاهده کردن»

οισαρο /oisaro/ اسم «تصمیم، قضاوت» <\*wi-čāra- فارسی میانه wizār «توضیح»

οτο /oto/ حرف ربط «و»

οτανανο /otanano/ نام خانوادگی «وتنان»

οτομο /otomo/ از οτο (حرف ربط) «و» + پس‌وند μο (ضمیر اول‌شخص مفرد) «من، به‌وسیله من» \*mai. اوستایی: mē

- πιδο /pido/ حرف اضافه «در، بر روی، به وسیله، با» \*pati<- اوستایی: paīti  
 πιδοοαδο /pidooahado/ ماضی سوم شخص مفرد -πιδοοαυ «درخواست کردن»  
 pati-wah(y)a<- فارسی باستان: pati-vahya-  
 ρωβιγο /rōbigō/ صفت «(شهر) روب» ρωβο + پسوند αγω  
 ρωβοχαρο /rōboxaro/ اسم «حاکم روب» ρωβο (اسم) «روب» χαρο+ (اسم) حاکم  
 \*xšāθriya-  
 σαχοανο /saxoano/ اسم «سخن، کلمه» \*sahwan<- فارسی میانه: saxwan  
 σινδο /sinddo/ فعل مضارع سوم شخص مفرد -σινδ «آرزو کردن، خوش حال بودن»  
 sandaya- اوستایی: sēndaīia-  
 ταδομο /tadomol/ از ταδ (حرف ربط) «بنابراین، پس، و»  
 ταλδο /taldo/ از τα- (حرف ربط) «بعد» \*tā<- اوستایی: tā-  
 τακαλδο /takaldo/ (حرف ربط) «بعد» + kaldo (حرف ربط) «وقتی که، اگر» \*kadā<  
 ταμαχο /tamoxo/ ضمیر دوم شخص جمع «شما» \*ušmāxam<  
 ταρο /taro/ قید «آنجا» \*taθra<- سغدی: trs  
 τατο /tato/ اسم خاص. هم‌چنین از ταδο (حرف ربط) «پس» + do  
 ταμο /hamo/ قید «هم‌چنین» \*hamam<  
 φριου /friio/ صفت «عزیز» \*friya<- و اوستایی: friia- ایرانی باستان: priyá-  
 χοανδο /xoando/ فعل التزامی سوم شخص مفرد. -Χοην «بیان کردن، گفتن» فارسی میانه:  
 hwant و -hwān(ya)<  
 χοαδο /xoado/ قید یا ضمیر انعکاسی «خودش» \*hwatah<- اوستایی: x<sup>v</sup>ato-  
 χοβο /xobo/ قید «احتمالاً» به احتمال کم از -\*(h(u)wapah<- فارسی نو: xūb و  
 صفت انعکاسی «خودت، خودش» هم می‌تواند باشد.  
 χωζο /xōzo/ فعل امر دوم شخص مفرد. -χωζ «پرسیدن، درخواست کردن»  
 \*hwaza(ya)-(?)<  
 χωζινδαδο /xōzindado/ فعل التزامی سوم شخص جمع -χωζ «پرسیدن،  
 درخواست کردن» \*hwaza(ya)-(?)<  
 χωζημο /xōzēmo/ فعل مضارع اول شخص مفرد -χωζ «پرسیدن، درخواست کردن»  
 \*hwaza(ya)-(?)<

نامه‌نگاری بلخی: بررسی موردی نامه‌های el و em (نجمه غریب و زهره زرشناس) ۲۳۱

αωρμoζδο:ωρμoζδοφαραχο /ōrmozdofaraxo/ (اسم خاص) + φαραχο (صفت)

<\*farnah-wāh «باشکوه»

ωσο /ōso/ قید «اکنون»

βαταρο:βαταρανο /šatarano/ (صفت) «بسیار خوش حال» از ανο + (δαρο + βαδο)

βιαδιο /šiadēio/ فعل ماضی سوم شخص مفرد -βι- «قادربودن، توانستن» -xšāya\*

فارسی میانه: -šāy

## ۵. تحلیل نامه‌ها

متن نامه‌ها نشان می‌دهد که موضوع هر دو نامه دزدی اسب است. هر دو نامه را کردیر ورهران، که مقام شغلی وی مشخص است و در نامه نیز ذکر شده که وی فرمان‌روای روب (روی کنونی) است، نوشته است. وی نامه را به مقامی بالاتر از خودش ارسال کرده است؛ یعنی شاپور شاپوران، که می‌توان دریافت فرمان‌روایی بخش وسیع‌تری را به عهده دارد. هر دو نامه با جمله «به برادر عزیز من درود و نماز» آغاز می‌شود و با همین جمله پایان می‌پذیرد. این که نویسنده نامه گیرنده نامه را با نام «برادر عزیز» خطاب می‌کند می‌تواند نشان‌دهنده ارادت‌مندی نویسنده نامه به فرمان‌روا باشد. هم‌چنین، در هر دو نامه نویسنده نامه از سلامتی فرمان‌روا احساس خرسندی می‌کند. هر دو نامه دارای ثنری روان است و در متن آن‌ها از کلمات و عبارات دشوار استفاده نشده است. در نتیجه، فهم متن نیز دشوار نیست. مقام شغلی هریک از افراد در نامه ذکر شده است. مثلاً، ویش مرد ساکن زویین و خدمت‌کار ملکه است و نواز خدمت‌کار کردیر ورهران است. ویش مرد شخصی است که اسب‌ها را دزدیده. باتوجه به محتوای نامه، می‌توان دریافت که کردیر مقامی پایین‌تر از گیرنده نامه دارد، زیرا مراتب را به شخص دیگری (شاپور شاپوران) اطلاع می‌دهد و از وی درخواست رسیدگی به موضوع دزدی را دارد و هم‌چنین نامه در قالب درخواست است. از محتوای نامه چنین به نظر می‌رسد کردیر، فرمان‌روای روب، هنگامی که از خدمت‌کارش، نواز، خبر دزدیده‌شدن اسب‌ها را می‌شنود از طریق نامه به مقامات بالاتر پی‌گیری می‌کند و وقایع را در نامه توضیح می‌دهد. از محتوای نامه دوم، که کردیر مجدداً نوشته، می‌توان دریافت که وی اطلاعات دقیق‌تری راجع به دزدی دریافت کرده است، زیرا بیان می‌کند که افغان‌ها اسب‌ها را دزدیده‌اند و مردان روب بی‌گناه‌اند. بنابراین، فرمان‌روایان در رسیدگی به چنین مسائلی درنگ و کوتاهی نمی‌کردند و، باتوجه به اشاره کردیر به بی‌گناه

محکوم‌شدن مردان روب، می‌توان دریافت که فرمان‌روا در این میان به این مسئله، که اشخاص دیگری بی‌گناه مجازات نشوند، توجه دارد؛ این بدین معنی است که آن‌ها عدالت را نیز در این خصوص رعایت می‌کردند.

## ۶. نتیجه‌گیری

همان‌طور که مشاهده شد، این دو نامه از لحاظ موضوع و محتوا و سبک نگارش به یک‌دیگر شبیه و با هم مرتبط‌اند. نامه‌های بلخی، که دو نمونه از آن‌ها در این مقاله آمده است، در مقایسه با نامه‌های دوره میانه از سبک نگارش ساده‌تر برخوردارند و موضوعات این نامه‌ها کاملاً با نامه‌های دوره میانه غربی متفاوت است، زیرا در نامه‌های دوره میانه مسائل دینی و سیاسی بیان شده که به دلیل موضوع آن‌ها در آن نامه‌ها از کلمات دشوار استفاده شده و بیش‌تر باید‌ها و نباید‌ها و پرسش و پاسخ است؛ در صورتی که نامه‌های بلخی مکاتبات میان مقامات دولتی در خصوص رفع مشکلات و رسیدگی به شکایات است. آغاز هر نامه و چهارچوب نوشتاری نامه‌های بلخی با دیگر نامه‌های دوره میانه غربی متفاوت است، زیرا این نامه‌ها با جملاتی آغاز می‌شود و با همان جملات پایان می‌پذیرد و از روی این نامه‌ها مقام نویسنده نامه مشخص می‌شود، زیرا بیش‌تر نامه‌های بلخی در قالب دستور و درخواست نوشته شده‌اند. نامه‌هایی که در قالب دستور نوشته شده نشان‌دهنده رتبه بالاتر نویسنده نامه نسبت به گیرنده نامه است. در نامه‌هایی که در قالب درخواست نوشته شده، گیرنده نامه رتبه بالاتری نسبت به نویسنده نامه دارد. در بیش‌تر نامه‌های بلخی عنوان شغلی نویسنده و گیرنده نیز مشخص شده است. مثلاً، در نامه CI ویش مرد ساکن زویین و خدمت‌کار ملکه است و نواز خدمت‌کار کردیر ورهران. کردیر ورهران فرمان‌روای روب است. نامه‌های دوره میانه غربی با مقدمه‌ای آغاز و سپس متن اصلی آورده می‌شود. شباهت نامه‌های بلخی با نامه‌های دوره میانه غربی در ذکر نام افرادی است که دارای مقام بالاتری هستند؛ بدین معنی که نام فردی که دارای مقام برتری است در ابتدای نامه ذکر می‌شود. نامه‌های بلخی، در مقایسه با نامه‌های دوره میانه شرقی، یعنی نامه‌های سغدی، که از آن‌ها سخن به میان آمد نیز دارای نگارش ساده‌تری است؛ در حالی که نامه‌های سغدی دارای اصطلاحاتی است که معنای مشخصی ندارد. در نامه‌های بلخی نامه‌ای که در ارتباط با خانواده باشد به چشم نمی‌خورد و بیش‌تر نامه‌هایی است که بین مقامات ردوبدل شده؛ در حالی که بعضی از نامه‌های سغدی میان افراد خانواده ردوبدل شده است. در هر دو،

نامه‌نگاری بلخی: بررسی موردی نامه‌های el و cm (نجمه غریب و زهره زرشناس) ۲۳۳

نامه‌های سغدی و بلخی، ادای احترام در ابتدای نامه به چشم می‌خورد. لحن نامه‌های سیاسی دوره میانه غربی آمرانه و در نامه‌های دینی به صورت موعظه است، اما لحن نامه بلخی cm تهدیدآمیز است. با توجه به محتوای نامه‌های دوره میانه، که به آن‌ها اشاره شد، و هم‌چنین دو نامه بلخی که به عنوان نمونه آورده شده است، به نظر می‌رسد، در مقایسه با نامه‌های دوره میانه، این گونه لحن تهدیدآمیز بیش‌تر در نامه‌های بلخی یافت می‌شود که نمونه‌ای از آن نیز ذکر شد.

### پی‌نوشت‌ها

۱. وی شاپور شاپوران: او یک نجیب‌زاده است. در فارسی میانه و فارسی نو به صورت: way- šābuhr (Sims-Williams 2010: 97).
۲. کردیر ورهران: ورهران به معنی پیروز و نام آخرین شاه کوشانی نیز بوده است. ممکن است کردیر ورهران تتوکان عنوان فرمان‌روایی آستیاخریس باشد (Sims-Williams 2010: 97).
۳. روب: (نام کنونی روی) یکی از مناطقی است که اسناد در آن‌جا نوشته شده و در قلمرو فرمان‌روایی تحت عنوان خار یا خرروب است. خارروب بدون شک همان روب‌خان است به معنی فرمان‌روای روب (سیمزویلیامز ۱۳۷۹: ۹۷).
۴. نواز خهروگان: مردی نجیب‌زاده و ممکن است همان نواز، فرمانده دژ، باشد (Sims-Williams 2010: 95).
۵. ویش مرد: مرد ساکن زوین (Sims-Williams 2010: 106).
۶. زوین: نام منطقه‌ای است که از نظر جغرافیایی مشخص نیست.
۷. ویل وتن: شاید اصل این واژه از زبان پهلوی اشکانی باشد (Sims-Williams 2010: 105).
۸. بریدگ وتنان: مردی نجیب‌زاده، عنوان یا نامی برای مالک زمین (Sims-Williams 2010: 53).
۹. بیپ: اصل این نام محلی نیست (Sims-Williams 2010: 49).

### کتاب‌نامه

بیوار، ا. د. ه. (۱۳۷۳)، «تاریخ مشرق ایران»، در: *تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان*، ج ۳، قسمت ۱، به کوشش احسان یارشاطر، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.

جعفری دهقی، محمود (۱۳۹۲)، *درآمدی بر زبان بلخی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- زرشناس، زهره (۱۳۷۶)، «زبان بلخی»، *نامه فرهنگستان*، س ۳، ش ۱.
- زواری، محمدمبین (۱۳۸۸)، *جغرافیای تاریخی بلخ*، تهران: بنیاد موقوفات افشار یزدی.
- سیمزویلیامز، نیکلاس (۱۳۷۹)، «*رمززدایی از زبان بلخی؛ پرتوی تازه بر افغانستان باستان*»، ترجمه محمود جعفری دهقی، *مجله زبان‌شناسی*، س ۱۵، ش ۲.
- مرادی غیاث‌آبادی، رضا (۱۳۹۲)، «*نامه‌های سغدی [پژوهش‌های ایرانی]*»، بازیابی‌شده در تاریخ ۲ مرداد ۱۳۹۲.
- منصوری، یدالله و پویا شریفانی (۱۳۹۴)، *نامه‌های منوچهر*، متن انتقادی (آوانویسی)، واژه‌نامه، نمایه پهلوی، تهران: آوای خاور.

- Lerich, A. (1989), "Pre-Islamic Bactria", in: *Encyclopedia Iranica*, E. Yarshater (ed.).
- Maricq, Andre (1958), *Inscriptions de Surkh-Kotal (Baghlan)*, La Grande Inscription de Kanishka et L'Eteo-Tokharien, L'ancienne Langue de la Bactriane, JA.
- Sims-Williams, N. (1989), "Bactrian", in: *Compendium Linguarum Iranicarum*, R. Schmitt (ed.), Wiesbaden.
- Sims-Williams, N. (2004), *Recent Discoveries in the Bactrian Language and Their Historical Significance*, Kabul: Society for the Preservation of Afghanistan's Cultural Heritage.
- Sims-Williams, N. (2007), *BDII: Bactrian Documents from Northern Afghanistan II: Letters and Buddhist Texts*, United Kingdom.
- Sims-Williams, N. (2010), *Iranische Personennamenbuch Band II Mitteliranische Personennamen Fazikel 7 Bactrian Personal Names*, Wien: Verlag der Österreichischen Akademie der Wissenschaften.
- Tosi, M. (1988), "The Origin of Early Bactrian Civilization", in: *Bactria: An Ancient Oasis Civilization from the Sands of Afghanistan*, Ligabue Giancarlo and Salvator Sandro (ed.), Italy: Venice.